

متن پرسش

با سلام و آرزوی طاعاتتون: سلام استاد! در بحث استعانت در مسیر سیر و سلوک یا توسل به ائمه اطهار (علیهم السلام) فهم آنچه در حقیقت اتفاق می افتد برایم دشوار است. «شخص رو فرض می کنیم که ته چاهی تقلا برای خروج از چاه دارد. او نیرومند است و می تواند تا نیمه های چاه بیاید، اما برای خروج کامل و رسیدن به ابتدای چاه ناگزیر از کمک نیست.» حال سوال این است که در حقیقت یا واقعیت ائمه ی ما چگونه ما را از این چاه رهایی می دهند؟ ۱. آنها طنابی به ما می دهند که با استفاده از این طناب نیروی درونی خود را شکوفا می کنیم و از چاه خارج می شویم؟ ۲. ائمه در بالای چاه ایستاده و انتهای طناب را در دست گرفته اند؟ ۳. یا اینکه استعانت در مورد اول آنقدر شدت دارد که گویی مورد دوم است؟ (درکش برایم دشوار است استاد، این سوال در پی فکر در مورد شفایافتن ایجاد شده. چه اینکه در ادیان دیگر هم این اتفاق می افتد. آیا همه آنها القائنات است؟ اگر همه القا نیست، آیا ارتباط برقرار کردن با همان دنیای وجودی ست که مولا (ع) می فرمایند؟ اگر اینطور هست؟ کمک ائمه در آن سپردن طناب (یا مورد سوم) تعریف می شود؟ داستان شاه حسین ولی و علامه ناقض مورد اول است؟) تشکر.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حضرت رب العالمین منشأ رحمت به بندگان هستند و مظاهر آن رحمت، اولیای الهی می باشند. صورت کامل اولیای الهی، ائمه اند و ذیل آنها امثال شاه حسین ولی ها قرار می گیرند. رحمت الهی از یک طرف، خود انسان را متوجهی به کاربردن همت در امور می کند و از طرف دیگر، شرایط را جهت صعود انسان و محقق شدن همت فراهم می نماید. موفق باشید